



Interdisciplinary Legal Research

Jun 2023, 4(1): 9-23

Available online on: www.ilrjournal.ir

e-ISSN:2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Feasibility of Developing the Powers of Bailiffs in Intangible Crimes in Iran's Criminal Justice System

Alireza Shekarbeigi^{1*} 

Received:

08 Dec 2022

Revised:

10 Feb 2023

Accepted:

18 Mar 2023

Available Online:

21 Mar 2023

Keywords:

Intangible
Crimes,
Prosecutors,
Bailiffs,
Development,
Privacy.

Abstract

Background and Aim: By separating crimes into tangible and intangible, and considering the importance of the crime scene in tangible crimes and stating the special characteristics of intangible crimes, the legislator has granted relatively broad powers to the officers in dealing with crimes, in order to identify them from this point of view. Criminals and, as a result, to create public security in society, action should be taken because the necessity of dealing with violators of the rights of individuals and society is to have the authority to deal with them.

Materials and Methods: The research method in this research is descriptive-analytical.

Ethical Considerations: All ethical principles have been observed in the writing stages of this research.

Findings and Conclusion: In the feasibility study of the expansion of powers to the bailiffs regarding intangible crimes with a descriptive analytical approach with library tools, we found that there are challenges and legal and executive obstacles in this, that despite the existence of numerous regulations, privacy violations privacy and citizen's rights, the multiplicity of officers and the absence of a separate law in this regard prevent the development of powers, which requires a review of the law and special measures in this regard. Based on this, it is necessary to supervise the training of the officers, to specialize the actions and legal supervision of their performance.

I Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University Tehran. Tehran, Iran. (Corresponding Author)*

Email: alireza.shakarbaigi@pnu.ac.ir

Phone: +988338391251

Please Cite This Article As: Shekarbeigi, A (2023). "Feasibility of Developing the Powers of Bailiffs in Intangible Crimes in Iran's Criminal Justice System". *Interdisciplinary Legal Research*, 4(1): 9-23.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی
(صفحات ۹-۲۳)

امکان‌سنجی توسعه اختیارات ضابطین در جرایم غیرمشهود در نظام حقوق کیفری ایران

علیرضا شکریبیگی^{۱*}

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: alireza.shakarbaigi@pnu.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۱ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: قانون‌گذار با تفکیک جرایم به مشهود و غیرمشهود و با لحاظ قراردادن اهمیت صحنه جرم در جرایم مشهود و بیان ویژگی‌های خاص جرایم نامشهود، اختیارات نسبتاً گسترده‌ای را به ضابطین در برخورد با جرایم اعطا نموده است تا از این منظر ضمن شناسایی مجرمین و به تبع آن ایجاد امنیت عمومی در اجتماع اقدام شود، زیرا ضرورت برخورد با متعدیان به حقوق افراد و جامعه، داشتن اختیار برخورد است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: کلیه اصول اخلاقی حاکم در پژوهش، در تقریر این مقاله رعایت شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در بررسی امکان‌سنجی توسعه اختیارات به ضابطین درخصوص جرایم نامشهود با رویکردی تحلیلی - توصیفی با ابزار کتابخانه‌ای چنین دریافتیم که چالش‌ها و موانع اجرایی و قانونی دراین‌میان وجود دارد که علی‌رغم وجود آیین‌نامه‌های متعدد، نقض حریم خصوصی و حقوق شهروندی، تعدد ضابطین و نبود قانون مجزا دراین‌خصوص مانع از توسعه اختیارات می‌شود که نیازمند بازنگری قانون و تمهیدات خاصی دراین‌خصوص است. برهمین‌اساس نظارت بر آموزش ضابطان، تخصصی‌نمودن اقدامات و نظارت‌های قانونی بر عملکرد آنان ضروری است.

کلمات کلیدی: جرایم غیرمشهود، دادستان، ضابطین، توسعه، حریم خصوصی.

مقدمه

۱- بیان موضوع

در کشور ایران، قانون‌گذار زمینه اجرایی‌شدن توازن بین دو حق بر امنیت و حق بر تأمین را در احصاء مصادیق جرم مشهود و اعطاء اختیارات ویژه و استثنایی برای مقامات پلیس در مرحله حین و بعد از وقوع جرائم دانسته است.

پاسخ به وقایع مجرمانه مشهود برای تأمین امنیت جانی و مالی شهروندان در برابر بزه‌کاران، به‌عنوان یک تکلیف از وظایف دولت‌ها می‌باشد. در نظام حقوقی ایران که تعقیب مجرمان برعهده نهاد قضایی است، در مواردی که پاسخ فوری ایجاب می‌کند و امکان دسترسی به مقام قضایی نیست، قانون‌گذار با ذکر عنوان جرم مشهود، وظیفه اتخاذ تصمیم و انجام اقدامات لازم برای پیشگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ ادله جرم را به مقامات غیرقضایی محول کرده است، جایی که احتمال نقض حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی با اتخاذ تصمیم آنی و پاسخ فوری مقامات غیرقضایی بیشتر است (شاکری و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۷).

آنچه مسلم است، اولین برخورد مقامات قانونی با جرایم ارتكابی، توسط ضابطین صورت می‌پذیرد و به‌عقیده متخصصان علوم جرم‌یابی، چنانچه این برخورد اولیه، توأم با دقت، هوشیاری، نکته‌سنجی و ارتباط منظم وقایع نباشد، سنگ بنای اولیه پرونده کیفری، کج نهاده خواهد شد و قاضی نیز که مدارک مکتوب در پرونده‌ها بیشترین ادله او برای تصمیم‌گیری است، به‌سبب سستی دلایل و مدارک جمع‌آوری‌شده، از صدور رأی متناسب عاجز مانده و در این‌رهگذر، اهداف مجازات که عبارتست از تنبیه مقصر، ارباب سائرین، تشقی خاطر مجنی‌علیه و سایر امور، حاصل نمی‌شود و نتیجه آن، تجری مجرمین و یأس و دل‌سردی مردم نسبت به دستگاه‌های انتظامی و قضایی خواهد بود که اثر مستقیمی بر افکار مردم نسبت به حکومت خواهد داشت.

ضابطین دادگستری عموماً اولین افراد رسمی هستند که در صحنه جرم مشهود حاضر می‌شوند. از سوی دیگر صحنه جرم شاه‌کلید حل معمای بسیاری از پرونده‌های کوچک و بزرگ جنایی و کیفری است، لذا قانون‌گذار با تفکیک جرایم به

مشهود و غیرمشهود و با لحاظ قراردادن اهمیت صحنه جرم در جرایم مشهود، اختیارات نسبتاً گسترده‌ای به ضابطین در برخورد با جرایم مشهود داده است تا از این طریق در جهت شناسایی مجرمین و به‌تبع آن ایجاد امنیت عمومی در اجتماع اقدام شود، زیرا لازمه برخورد با متعدیان به حقوق افراد و جامعه، داشتن اختیار برخورد است (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۰).

ضابطین دادگستری به‌عنوان عامل اجرایی نظام قضایی ایفای نقش کرده و تأثیر به‌سزایی در دستیابی به عدالت کیفری و نزدیک‌شدن نظام کیفری به آرمان‌های تحقق عدالت و کارآمدی دارد. ضابطین عام دادگستری آن دسته از ضابطینی هستند که وظایف و اختیاراتی که برعهده دارند، کلی و عام است و شرایط خاصی برای دخل و تصرف در جرایم برای آنان وجود ندارد. به‌عبارت دیگر ضابطینی هستند که در مورد کلیه جرایم، صلاحیت اقدام دارند و وظایف و اختیارات آن‌ها محدود به جرائمی معین یا شرایط خاصی نیست. علمای آیین دادرسی کیفری نیز ضابطین عام دادگستری را چنین تعریف نموده‌اند که ضابطین عام دادگستری افرادی هستند که صلاحیت اقدام درباره کلیه جرائم را دارند، مگر آنچه که قانون منع کرده است (آشوری، ۱۳۷۵: ۴۴).

قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۲۸، ضابطین دادگستری را مأمورانی معرفی می‌کند که تحت نظارت و تعلیمات دادستانی، در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و پیشگیری از فرار و مخفی‌شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی را براساس قانون برعهده دارند.

جرایم غیرمشهود برخلاف جرایم مشهود، جرایمی هستند که مدت زمان متعارفی از بروز آن‌ها سپری شده است و ضابطین دادگستری در زمان محل وقوع جرم در آنجا نبوده و جمع‌آوری ادله نیز نیازمند تحقیق و بررسی بیشتر داشته باشد. مجموعه آیین دادرسی کیفری و سیاست‌های تقنینی حاکم بر کشف جرایم، برای ضابطین دادگستری، در جرایم غیرمشهود، اختیارات و وظایفی را وضع کرده است که عمدتاً به‌موجب ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری با هماهنگی دادستان انجام می‌شود.

ضابطین صرفاً در حوزه جرایم غیرمشهود بوده و به‌طور جزئی‌تر قلمرو موضوعی خود را دنبال خواهیم کرد.

علی‌خالقی در کتاب خود «آیین دادرسی کیفری»، در قسمت جرایم مشهود و غیرمشهود، قوانین و دکترین خود را نسبت به انجام وظیفه ضابطین درخصوص جرایم مشهود و غیرمشهود ارائه کرده است که بدیهی است به‌واسطه کلی‌بودن عنوان کتاب، صرفاً بخش محدودی به این موضوع اختصاص یافته است. تفاوت پژوهش مدنظر ما با کتاب فوق، مربوط به قلمرو تحقیق است، کتاب مذکور به‌طور کلی تشریفات و فرایند حاکم بر دادرسی کیفری را مورد مطالعه قرار داده است، در صورتی که هدف ما صرفاً بررسی ضابطین و آن‌هم صرفاً در حوزه مواجهه با جرایم غیرمشهود خواهد بود.

امیر سلیمانی و رضوان محمدی در مقاله خود «وظایف ضابطین دادگستری در جرایم مشهود و غیرمشهود در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با تکیه بر حقوق شهروندی» که در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است، از رویکرد و منظر حقوق بشری، به وظایف ضابطین دادگستری در جرایم مشهود و غیرمشهود پرداخته و معتقد و قائل به محدودیت دخالت ضابطین به قانون بوده است. تفاوت این مقاله با پژوهش مدنظر ما در این است که برخلاف هدف مقاله فوق، قصد ما ارائه راهکارهایی برای افزایش حوزه اختیارات ضابطین در جرایم غیرمشهود است.

۳- مفاهیم و تعاریف

ضابط لفظی عربی از ریشه ضبط در مفهوم نگهداری کردن است. در فارسی نیز در مفهوم فراهم‌آورنده، نگاه دارنده، حاکم، والی و... آمده است و در ادبیات امروز معامل پلیس به‌کار می‌رود. واژه ضابط قضایی نخستین‌بار در قانون موقتی محاکمات جزایی به‌کار رفته است. دهخدا ضابط را در مفهوم فراهم‌آورنده و نگاه‌دارنده بیان کرده است. در فرهنگ فارسی عمید ضابط درمعنای حفظ‌کننده، نگاه‌دارنده، حاکم، قوی، نیرومند و مرد باهوش معنا شده است (عمید، ۱۳۸۲: ۸۸۳).

در ترمینولوژی حقوق بلوک را به چند ناحیه تقسیم کرده و برای هر ناحیه اداره‌ای به‌عنوان ناحیتی تأسیس و رییس آن

درهرحال، این مقاله درصدد ارائه پاسخی مناسب به پرسش‌هایی نظیر «برای افزایش حوزه اختیارات ضابطین قضایی برای مواجهه با جرایم غیرمشهود چه راهکارهایی وجود دارد؟» و «وضعیت کنونی تقنینی ناظر بر اختیارات ضابطین قضایی در مواجهه با جرم غیرمشهود به چه ترتیب است؟» است. ازاین‌رو یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر که به‌شیوه جمع‌آوری اطلاعات دسته اول کتابخانه‌ای و انواع منابع اطلاعاتی و توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی‌شده حاصل می‌شود، با شیوه غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی‌کردن تحلیل توصیفی خواهد شد، لذا روش تجزیه‌وتحلیل اطلاعات و متون تهیه‌شده از نوع کیفی و مطالعه موردی و توسعه‌ای است و متمرکز بر مطالعه موارد است، نه جامعه‌ها و نمونه‌ها.

۲- پیشینه پژوهش

مهدی چوپانی در مقاله خود ذیل عنوان «مبانی و آثار فقهی و حقوقی جرایم مشهود» که در سال ۱۳۸۸ منتشر کرده است، به‌طور کلی به جرایم مشهود و شرایط حاکم به آن پرداخته و دراین‌خصوص مبانی فقهی و حقوقی را مورد ارزیابی قرار داده است. تفاوت این مقاله با پژوهش مدنظر ما در این است که اصولاً قصد ما تکمیل این مقاله‌ها است که تمرکز خود را بر جرم مشهود قرار داده‌اند و قصد داریم این وضعیت را در جرایم غیرمشهود که مورد غفلت پژوهش‌ها قرار گرفته است، بررسی کنیم و به‌طور اختصاصی به اختیارات ضابطین دراین‌خصوص بپردازیم.

محمدجواد پورحسینی در پایان‌نامه خود به نام «ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲» که در دانشگاه خرم‌آباد دفاع شده است، به بررسی قانون آیین دادرسی کیفری پرداخته و این قانون را از منظر ضابطین به‌طور خاص مورد بررسی قرار داده است و تحولات تقنینی در این حوزه را با مقایسه میان این قانون و قوانین ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱ بررسی کرده است. تفاوت این پایان‌نامه با این پژوهش در این است که این قانون بیشتر مقایسه تطبیقی و تقنینی انجام داده است و به‌طور کلی ضابطین را به‌طور عام بررسی کرده است، در صورتی که قصد ما بررسی وظایف و اختیارات

اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسؤولیت اقدامات انجام‌شده در این رابطه با ضابطان است. این مسؤولیت نافی مسؤولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست (وروایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۸).

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است.

بحث و نظر

۱- چالش‌ها و موانع توسعه اختیارات ضابطین

۱-۱- ساختار نامناسب نظارتی

ساختار مناسب و کنترل‌های قانونی پیش‌بینی‌شده برای نظارت بر عملکرد پلیس قضایی فرانسه می‌تواند برای کشورمان قابل الگوبرداری باشد. همچنین تبیین حدود اختیارات ضابطان در جرایم مشهود، اعتبار اقدامات ضابطان در این جرایم پس از حضور مقام قضایی، تفکیک وظایف اداری از وظایف قضایی ضابطان، ضمانت اجرای عدم یادآوری حقوق متهمان یا مظنونان، ازجمله مواردی است که باید فراروی تدوین‌کنندگان لایحه آیین دادرسی کیفری قرار گیرد (مهابادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۷).

حفظ کرامت و ارزش‌های والای انسانی، احترام به آزادی‌های مشروع، حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه عوامل دستگاه قضایی است. مطابق قانون نه‌تنها محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و اصول و موازین قضایی باشد، بلکه کشف، تعقیب جرائم، دستگیری مجرمین، تحقیق و رسیدگی به اتهامات آن‌ها نیز باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی و بر مبنای ارتباط و تعامل صحیح، منطقی اجزا و عناصر فرآیند کیفری صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلیقه شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های غیرقانونی اجتناب شود (سبحانی‌فر، ۱۴۰۰: ۱).

نظام حقوقی ایران و نظمیه با تفاوت در شیوه اعمال نظارت قضات محاکم بر عملکرد ضابطین، به این امر عنایت داشته‌اند. وجود چنین مطلبی اصولاً بر عقیده‌ای استوار است

اداره را ضابط یا مباشر نامیده که به تصویب نائب‌الحکومه بلوک و امضا حاکم ولایت به‌سمت خود منصوب می‌شود و کدخدایان دهات تابع او هستند و حفظ امنیت و رفاه و نظم ناحیه‌ها برعهده ضابطان است و ضابطان عدلیه همان پلیس قضایی هستند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۱۳).

یکی از اختیارات ضابطین دادگستری جهت حفظ و اعاده نظم عمومی، اقدامات لازم درخصوص جرایم مشهود می‌باشد. ضابطین دادگستری بر دو دسته تقسیم می‌شوند: ضابطین عام و ضابطین خاص. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به‌عنوان ضابط عام دادگستری محسوب می‌شود، البته کلیه کارکنان نیروی انتظامی به‌عنوان ضابط دادگستری تلقی نمی‌گردند، بلکه آن دسته از کارکنان که در راستای انجام وظایف محوله از سوی مقامات قضایی اقدامات لازم را انجام می‌دهند یا آن دسته که در حال مأموریت در برخورد با جرایم مشهود اقدام می‌نمایند به‌عنوان ضابط دادگستری محسوب می‌گردند (عباسلو، ۱۳۸۶: ۲۲۵).

ضابطان دادگستری یا قضایی مأمورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان عمومی یا سایر مراجع قضایی در کشف و تحقیق مقدماتی جرم، حفظ آثار و دلایل آن و پیشگیری از فرار و اختفای متهم به موجب مقررات قانون اقدام می‌کنند (آخوندی، ۱۳۷۳: ۲۴). ضابط قضایی را عبارت از مأمورانی می‌داند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی برای کشف جرم، بازجویی مقدماتی از متهم و نیز پیشگیری از فرار یا پنهان‌شدن وی و سرانجام حفظ آثار و دلایل جرم، طبق ضوابط قانونی اقدام می‌کنند، توصیف نموده است (آشوری، ۱۳۷۵: ۱۰۵).

ماده ۲۸ ق.ا.د.ک ۱۳۹۲ در بیان مصادیق ضابطین دادگستری مقرر می‌دارد مأمورانی که تحت نظارت و تعلیمات دادستان... به‌موجب قانون اقدام می‌کنند. در تقسیم‌بندی ضابطین دادگستری ماده ۲۹ آ.د.ک ۱۳۹۲ اشخاصی نظیر فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در قالب ضابطان عام و سایرین را در قالب ضابطان خاص به‌عنوان ضابط دادگستری معرفی کرده است. شایان ذکر است کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند،

مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود (سوادکوهی‌فر، ۱۳۸۶: ۸).

به‌موجب ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به‌عنوان ضابط برعهده دارند با دادستان است و به‌موجب ماده ۳۳ ماده مذکور دادستان به‌منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان واحدهای مربوط را حداقل هر دوماه یک‌بار مورد بازرسی قرار می‌دهد. همچنین به‌موجب مواد ۶۰۲، ۶۰۷ و ۶۰۹ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح ریاست و نظارت بر ضابطان نظامی از حیث وظایف محوله با دادستان نظامی بوده که این نظارت می‌بایست حداقل هر دوماه یک‌بار توسط وی از واحدهای مربوطه صورت گیرد.

سایر مقامات قضایی، ازجمله بازپرس و قضات نیز می‌توانند امور قضایی را به ضابطان ارجاع و بر عملکرد آن‌ها نظارت نمایند، به اقتباس از ماده ۶۰۲ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که هم تحت نظارت دادستان نظامی و هم دیگر مقامات قضایی مربوطه به ایفای وظایف می‌پردازند که عام‌بودن مفهوم دیگر مقامات قضایی، مراتب فوق را مورد تأیید قرار می‌دهد، مستند دیگر ماده ۶۰۹ آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح که چنین اشعار می‌دارد سایر قضات دادرسار و دادگاه نظامی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می‌دهند حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم را دارند.

همچنین ماده ۹۷ آیین دادرسی کیفری به بازپرس اجازه دستور به ضابط را داده است بازپرس به‌منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند.

ضابطان دادگستری وظایف مهمی برعهده دارند که انجام صحیح آن‌ها در پیشگیری و کشف جرم و حفظ دلایل آن و دسترسی به مرتکب و چنانچه تعقیب کیفری آغاز شده باشد،

که مطابق آن محکمه ناظر بی‌طرف و قاضی رفتارهای افراد در چارچوب مقررات مشروع شناخته می‌شود. حکومت کامل امنیت اجتماعی، بدون حاکمیت مبسوط بر مرجع اعمال قدرت عمومی دستخوش تعدی و یا کوتاهی از اعمال قدرت عمومی توسط اشخاص مسؤول حفظ و رعایت قوانین خواهد شد. ازاین‌رو در مواردی مجازات و مواردی اعمال اقتدار در حق مأمورین متعدی و یا ناآشنا و سهل‌انگاری نسبت به وظایف سنگین ضابطین که رابطه مستقیم با اعمال عدالت دارد، محکمه را در تحقق و برپایی امنیت اجتماعی و احقاق حقوق آحاد مردم، واجد صلاحیت لازم خواهد نمود، اما نظام حقوقی ایران یک بعد از اختیارات محکمه را به صراحت تبیین ننموده است (سوادکوهی‌فر، ۱۳۸۶: ۶).

ماده ۱۶ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نسبت به تخلف از انجام دستورات مقام قضایی وضع شده و بدون ذکر اینکه ماهیت کیفر تعیینی اداری است یا جزایی، می‌گویند: «ضابطین دادگستری مکلف‌اند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند. در صورت تخلف به سه‌ماه تا یک‌سال انفصال از خدمت دولت و یا از یک تا شش‌ماه حبس محکوم خواهند شد.» ماده ۴۱، قانون مذکور نیز تنها به مسأله نظارت بر تحقیقات و اقدامات ضابطین مقرر می‌کند دادرسان و قضات تحقیق بر تحقیقات و اقدامات ضابطین دادگستری نظارت دارند و چنانچه تکمیل تحقیقات و اقدامات انجام‌شده را ضروری بدانند تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نمایند.

ماده ۱۷۶، قانون یادشده، به مسأله تعقیب انتظامی و اداری نیز دلالت دارد، ولیکن از این ماده استفاده نمی‌شود که مقام اعمال‌کننده آن قاضی دادگستری است.

ماده ۱۳ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی، به امر تقدیر و تشویق در کنار مسأله برخورد با مؤلفان پرداخته و وظیفه نظارتی محکمه را در کنار وظیفه دادستان در این خصوص برشمرده و مقرر می‌دارد محاکم و دادرسارها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به‌موجب قوانین خاص وظایف آن‌ها را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان نظارت جدی کنند و

در نتیجه آنجا که به دیگران ارتباط پیدا می‌کند سالبه به انتقای موضوع بوده و اصلاً حریم خصوصی محسوب نمی‌شود تا نقض آن برای حفظ منفعت و مصلحت عمومی، مصداق نقض حریم خصوصی باشد (میرزاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۱۵). به عبارت دیگر موضوع متعلق حکم حریم خصوصی است یا متعلق حکم مصلحت عمومی، براساس اصل اباحه، اصل اولیه بر حرمت نبوده و می‌توان شئون حریم خصوصی را نقض نمود، زیرا اصل اولیه اعلام می‌داشت که در صورت ارتباط حریم خصوصی با مصلحت عمومی دیگر نقض حریم خصوصی محسوب نمی‌شود و مقتضای آن حرمت نخواهد بود.

سومین نتیجه آنکه مفهوم مصلحت عمومی امری ذومراتب است و گستره آن از حداقل تا حداکثر همگی شامل این عنوان می‌شود. به این ترتیب مشخص نیست که کدام مرتبه از نفع عمومی می‌تواند ناقض حریم خصوصی محسوب شود. براساس مبنای اول حداکثر میزان مصلحت عمومی است که می‌تواند به عنوان معیار اهم، نقض حریم خصوصی را تجویز کند.

۱-۲-۱- حریم خصوصی ارضی یا مکانی

ضابطین دادگستری در بسیاری از کشورها با عنیات به وظایفی که برعهده آن‌هاست، اثرگذاری مهمی در حفظ حقوق شهروندی ایفا می‌کنند. باتوجه به وظایف ضابطین نظیر کشف، پیدا کردن آثار جرم، جمع‌آوری آن‌ها، شناسایی متهم، انجام اقدامات لازم برای پیشگیری از فرار وی و انجام تحقیقات مقدماتی، لذا یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها حوزه حقوق شهروندی است (حبیبی، ۱۴۰۰: ۱۷۷).

حریم خصوصی ارضی یا مکانی دربرگیرنده یکی از مهم‌ترین و سنتی‌ترین مصادیق حق افراد بر لزوم احترام و مصونیت از تعرض منازل مسکونی تحت تصرف آن‌هاست که ریشه در حقوق اساسی افراد و حقوق بشر دارد، گرچه قانون جامع و خاصی در این خصوص تاکنون به تصویب نرسیده است، اما توسل به اصل ۲۲ قانون اساسی و موارد ۱۳۷ الی ۱۴۵ ق.ا.د.ک اصلاحی ۹۴ و ماده ۹۱۴ ق.م.ا. درخصوص هتک حرمت منازل و املاک موضوع مواد ۹۱۵ الی ۹۲۰ قانون

در تشکیل و تکمیل پرونده‌های کامل با استناد به ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مقرر می‌دارد ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به‌عنوان ضابط به‌عهده دارند با دادستان است. در چارچوب ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ سایر مقامات قضایی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می‌دهد حق نظارت دارند، لذا ریاست اداری بر ضابطان رد صلاحیت انحصاری دادستان است، ولی نظارت بر انجام وظایف آن‌ها میان دادستان و بازپرس تقسیم شده است، به‌گونه‌ای که نظارت دادستان نظارتی کلی و عام بر انجام وظایف در پیشگیری بر وقوع از جرم از طریق گشت‌زنی، کشف و اعلام به‌موقع به دادستان و نحوه برخورد آن با جرایم مشهود، قطع نظر از پرونده‌های خاص است، اما نظارت بازپرس درخصوص مواردی است که در حیطه پرونده تحقیقات مقدماتی محول شده است (خالقی، ۱۳۹۳: ۸۸).

۱-۲-۲- نقض حریم خصوصی شهروندان

نقض حریم خصوصی به‌طور معمول به پشتوانه حفظ مصلحت عمومی توجیه می‌شود، در اینکه مصلحت عمومی چیست به‌طور کلی دو رویکرد وجود دارد: اصالت جامعه و اصالت فرد. رویکردی که در آن اصالت با جامعه است و هر نفعی که به کلیت جامعه، مستقل از افراد می‌رسد، نفع عمومی دانسته می‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۸۱). فهم اصل اولیه برای رجوع در مورد مشکوک، درگرو بررسی دو مبنای اصلی در نگاه اندیشمندان به حریم خصوصی و نفع عمومی است. ترجیح هریک از این دو مبنا، سه اثر متفاوت در پی دارد:

نخست آنکه براساس مبنای اول، تحدید حریم خصوصی به‌عنوان حق مطلق، نیاز به ادله محکم و نقض آن، نیاز به احراز ضرورت برتر و اهم دارد که قاعده اهم و مهم هنگام تزامن این دو، مورد استفاده قرار می‌گیرد (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۹۰).

دوم آنکه با پذیرش نظریه اطلاق حق حریم خصوصی و عدم تقیید رعایت آن به امری دیگر، این حکم اصل واجب مفروض دانسته می‌شود که نسبت به فرد، اما براساس مبنای دوم حریم خصوصی مقید به عدم ارتباط با غیر است و

مذکور می‌توان اصل مصونیت تعرض به این حریم را توجیه کند.

۱-۲-۲- حریم خصوصی اطلاعاتی

حریم خصوصی اطلاعاتی تحت عنوان حمایت از داده‌ها دربرگیرنده قواعد حاکم بر پردازش اطلاعات و داده‌های مربوط به اشخاص است که هرگونه تحصیل، نگهداری، سازمان‌دهی، ذخیره، هک و اصلاح، جایگزین کردن استعمال، افشا، انتقال، انتشار و اقدامات مشابه درخصوص داده‌ها را دربر می‌گیرد. قانون تجارت الکترونیک ایران مصوب ۱۳۸۲ در مواد ۵۸ تا ۶۱ و یا ماده ۹۶۶ ق.م.ا (ماده ۱۷ قانون جرایم رایانه‌ای) چنین بیان می‌دارد: «هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جزء در موارد قانونی منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به‌نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت وی شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات خواهد شد». به موضوع حمایت داده‌ها پرداخته است و یا در ماده ۱۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ باب تفتیش و بازرسی را این‌گونه باز می‌گذارد بازپرس می‌تواند در موارد ضروری برای کشف جرم و یا دستیابی به ادله وقوع جرم، حساب‌های بانکی اشخاص را با تأیید رییس کل دادگستری استان کنترل کند.

۱-۲-۳- حریم خصوصی ارتباطی

این جنبه از حریم خصوصی دربرگیرنده حق اشخاص در امنیت و محرمانه‌باقی ماندن محتوای کلیه اشکال و صدور مراسلات و مخابرات متعلق به ایشان است. این شق از حریم خصوصی به لحاظ قدمت و سابقه نسبی پست و مخابرات، پذیرش و تداول بیشتری نسبت به مبحث مربوط به حریم خصوصی اطلاعات دارد، البته امروزه این حق با ظهور اشکال جدید مراسلات همچون پست الکترونیکی و ارتباطات ماهواره‌ای، تلفن‌های بی‌سیم و امثال آن با مسائل جدیدتری روبه‌رو شده و توسعه مضاعف یافته است. ازجمله مباحث قابل طرح ذیل این عنوان علاوه بر مصون بودن نامه‌ها و بسته‌های پستی از تفتیش و بازرسی امنیت و مصونیت مکالمات تلفنی از شنود، محرمانه بودن قبوض و صورت حساب تلفن اشخاص

امنیت مراسلات داخل شبکه دیجیتالی، ازجمله اینترنت و شبکه‌های اینترنتی، همچنین درج یا عدم درج نام شخص و شماره تلفن متعلق به او در دفترچه‌های راهنمای تلفن، تماس‌های تلفنی، ایمیل‌های ناخواسته و مزاحم هستند (محمدحسینی، ۱۴۰۰: ۳۰۸).

امروزه نقض حریم خصوصی افراد از طریق استماع مکالمات تلفنی و یا خوانده نامه‌ها و دیگر مراسلات پستی و همچنین بازکردن ایمیل‌های افراد در فضای مجازی و سایر به‌مراتب آسان‌تر از ورود بدون اجازه یا غیرقانونی به منزل افراد است. علی‌رغم نبود قوانین جامع در عرصه ارتباطات الکترونیکی و اینترنتی، لکن در باب محرمانگی مراسلات پستی و مکالمات تلفنی در اصل ۲۵ قانون اساسی و در مواد ۱۵۰ و ۱۵۱ و تبصره‌های آن‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ قابل استناد است.

قانون‌گذار در این خصوص از منظر رعایت حقوق عمومی و امنیت جامعه استثنائاتی قائل شده و از باب تفتیش و بازرسی محدودیت‌ها و ضرورت‌هایی را بیان داشته است. لازم به ذکر است درخصوص کنترل و شنود تلفن تناقضاتی بیان شده است. به‌عنوان مثال کنترل در معنای رهگیری خط تماس و تشخیص اینکه از چه خط یا خطوطی با خط تلفن مورد نظر تماس برقرار می‌شود، بدون اینکه مأمور رهگیری حق شنود مکالمات طرفین را داشته است (آشوری و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

به نظر می‌رسد قانون‌گذار در ماده ۱۵۰ و تبصره‌های آن با قید شرابطی تنها به کنترل ارتباطات مخابراتی توجه داشته است و شنود آن‌ها مد نظرش نبوده است. تبصره‌های مزبور به‌نوعی دارای ابهام است. از سوی دیگر با عنایت به اینکه قانون اساسی و قوانین کیفری شکلی و ماهوی درخصوص نقض حریم خصوصی ارتباطات افراد ضمانت اجرای کیفری بیان داشته‌اند، می‌توان چنین استنباط نمود که وفق ماده ۸۱۴ ق.م.ا. ماده ۲ قانون جرایم رایانه‌ای ضابطین خاص تنها در موارد مطروحه در قانون مجاز به توقیف یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع هستند و در صورت تخطی مجازاتی همچون

تسبیب در مقابل زیان‌دیده عهده‌دار جبران خسارت خواهند بود. گاهی ممکن است عدم انجام وظایف محوله، موجبات وقوع حوادث زیان‌بار و ایراد خسارت به اشخاص حقیقی و حقوقی و در نتیجه سبب تحقق مسؤولیت کیفری یا مدنی برای کارکنان و یا سازمان ضابطین دادگستری را فراهم آورد (هادی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۷۰).

از سوی دیگر، ضابطان قضایی برای انجام بهینه مأموریت‌های خود باید آزادی عمل داشته باشند که در خصوص جرایم نامشهود باید با کسب اجازه و در چارچوب قانون باشد. باتوجه به این وظایف این مأموران در باب میل اشخاص نیست و از طرفی همه آنان اغلب با صاحبان قدرت و نفوذ به حقوق دیگران سروکار دارند، ضروری است از هرگونه تعرض، حمله و مقاومت در برابر انجام وظایف خود مصون و مورد حمایت باشند (صادق‌منش، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

۱-۳-۱- تداخل در فعالیت‌های دولت

امنیت مفهوم بنیادی و از ضروریات زندگی بشر به حساب می‌آید. انسان‌ها در طول تاریخ، همواره در جستجوی شرایط امن و عاری از خطر به سر می‌برده و راه‌های مختلفی را برای دستیابی به آن آزموده‌اند. می‌توان گفت که اولین نهادهای اجتماعی نیز در پاسخ به این نیاز شکل گرفته‌اند. از این‌رو امنیت جزء عناصر اصلی سازنده زندگی اجتماعی را به عهده دارند، می‌توان به سازمان انتظامی که نقشی مهم و سازنده‌ای را در جهت تأمین و تحقق امنیت به عهده دارد، اشاره نمود و این نهاد موظف است با هر آنچه که این امنیت و آرامش جمعی را خدشه‌دار می‌سازد مقابله و مبارزه نماید و امکان پیشگیری از جرم را در هر جامعه‌ای افزایش دهد.

۱-۳-۲- عدم پاسخگویی

نهادهای و اهرم‌های لازم و دقیقی باید برای حفظ جنبه پاسخگویی سازمان‌های همچون امر به معروف و نهی از منکر برای تربیت و آموزش ضابطین جرایم نامشهود طراحی شوند و برای مشخص شدن نحوه پاسخگویی و رسیدگی به تخلفات اعضای این سازمان، قوانین لازم تنظیم شود. از آنجا که نهاد مذکور بدون امکانات حکومتی و حمایت دولت کاری از پیش نمی‌برد، ضروری است ضمن حفظ استقلال مالی و سیاسی و

حبس از یک تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال برای آن‌ها در نظر گرفته شده است.

۱-۲-۴- حریم خصوصی جسمانی

حریم خصوصی جسمانی یا بازرسی جسمی نیز وفق اصل ۲۲ قانون اساسی در باب حمایت از تمامیت جسمانی و اطلاعات مربوط به سلامتی انسان تنها با اخذ رضایت وی مجاز شمرده شده است و نقض آن از منظر حقوقی ضمان‌آور است، البته این حق نیز همچون سایر اشکال حق و حریم خصوصی، به صورت مطلق و بی‌استثنا نیست و در پاره‌ای موارد همچون امر قانونی و یا موارد مربوط به سلامت عمومی و نیز کشف جرایم و موارد امنیتی در چارچوب نصوص قانونی امکان محدودیت این حق وجود دارد. ماده ۸۷۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ در خصوص منع افشای این‌گونه اسرار برای اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل و یا حرفه خود محرم اسراری می‌شوند، مجازات سه‌ماه تا یکسال حبس و یا جزای نقدی یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال تعیین کرده است. با این وجود هیچ‌یک از مصادیق چهارگانه عنوان‌شده مطلق نبوده و تفتیش و بازرسی با قدی موجبات قانونی جهت حفظ حقوق جامعه یا اصل کشف حقیقت به عنوان استثنا بیان شده است (محمدحسینی، ۱۴۰۰: ۳۱۰).

۱-۳-۳- سلیقه‌گرایی در اجرای مسؤولیت‌ها

ضابطین دادگستری جهت اجرای مهم‌ترین وظیفه خود که همانا حفظ نظم و امنیت است، در صورتی که موجب خساراتی به دیگران اعم از متهم، مجرم یا اشخاص دیگر شوند، با تحقق شرایطی عهده‌دار مسؤولیت مدنی خواهند بود. در مجموع حوادث زیان‌باری که ضابطین دادگستری در آن مداخله دارند یا از طریق انجام فعل توأم با تقصیر یا انجام فعل بدون تقصیر و یا ترک فعل تحقق می‌یابد. گاهی حادثه زیان‌بار ناشی از ترک فعل از قبیل عدم ابلاغ اوراق اجرایی به نشانی مخاطب، عدم مساعدت به اشخاصی که توسط دیگران در معرض ارتکاب جرم و جنایت واقع می‌شوند یا عدم کنترل بازداشت‌شدگان یا متوقف‌نمودن وسایل نقلیه معیوب و رانندگان است. در این موارد با وجود شرایطی به موجب قاعده

اداری آن از دولت مرکزی، ترتیبی اتخاذ کند که از امکانات دولتی به‌نحوی بهره‌مند شود که تحت تأثیر سیاست بازی قرار نگیرد و حقیقت و حفظ ارزش‌ها را فدای مصلحت‌های زودگذر سیاسی نکند (رضایی‌راد، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

۱-۳-۳- بی‌نظمی و تفسیرهای متعدد از قانون

از آنجایی که انجام این‌گونه وظایف با حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و نظم عمومی جامعه و نیز به‌نوعی با مفاد اصل بیست‌ودو قانون اساسی مرتبط می‌باشد، ضرورت دارد که یک پلیس قضایی ورزیده، آگاه، تعلیم‌دیده، مسلط بر وظایف و مقررات نیروی انتظامی عهده‌دار چنین مسؤولیت‌های حساسی باشد تا از این رهگذر، حقوق و آزادی‌های قانونی و مشروع افراد جامعه بدون هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای محترم شمرده و مراعات گردد. اجرای وظیفه کشف جرائم به‌جهت اهمیتی که در سلسله اقدامات مربوط به نهاد دادرسی دارد، همواره مورد توجه مسؤولان امر بوده است.

بدین‌ترتیب ملاحظه می‌شود که مرجع ضابطین دادگستری به‌عنوان یکی از سازمان‌های وابسته به نهاد دادرسی یکی از مهم‌ترین وظایف را در راستای تحقق‌بخشیدن به عدالت کیفری به‌عهده دارند و به‌دلیل نوع حساسیت و اهمیت این وظیفه و نقش آن در اصلاح جامعه و ارباب مجرمین و درنهایت گرفتارشدن آن در چنگال عدالت و حفاظت از حقوق، آزادی‌های افراد جامعه ضرورت دارد توجه ویژه از هر حیث در راستای تقویت این مرجع از طرف مسؤولان امر به‌عمل آید.

۱-۳-۴- خطر اختلافات مذهبی، فرهنگی و امنیتی

دخالت دولت در اجرای امر به‌معروف، اجتناب‌ناپذیر است و بدون استفاده از امکانات و اطلاعات نظام حکومتی کاری از پیش نخواهد رفت؛ با این‌وجود نگرش حکومتی به این مسأله و انحصار آن در روش دولتی و حکومتی، پیامدهای نامطلوبی را به‌بار می‌آورد و می‌تواند این اصل مهم دینی و عقلی و ارزشی را در مسیری مخالف با اهداف آن قرار دهد یا به‌انزوا و بن‌بست بکشانند. بعضی از این پیامدهای نامطلوب عبارتند از: ظاهرگرایی، کم‌رنگ‌شدن بُعد مردمی، افراط و تفریط در امور، ایجاد زمینه خودکامگی و ایجاد مصونیت کاذب.

از سوی دیگر، امر به‌معروف و نهی‌ازمنکر در آموزه‌های دینی از جایگاه بلندی برخوردار است. هیچ اعمالی نمی‌تواند با امر به‌معروف و نهی‌ازمنکر برابری کند، زیرا این دو فریضه، علت مبقیه دین است و نقش بنیادین در امنیت اخلاقی و معنوی جامعه اسلامی دارد. این دو فریضه، با قدرت و آگاهی، احتمال تأثیر و عدم وجود مفسده و ضرر واجب است. نقش امر به‌معروف و نهی‌ازمنکر، نگرهبانی از سایر احکام، کامل‌کننده امور، رمز رستگاری انسان و جامعه، آینه‌دار خداوند است که صفات خدا را در وجود انسان می‌تاباند. نجات و امنیت جامعه در پرتوی عمل‌کردن به این دو فریضه است که با ایجاد تشکل امر به‌معروف و نهی‌ازمنکر، ایجاد رسانه، تبیین ارزش و جایگاه امر به‌معروف، نهی‌ازمنکر و... قابل تحقق است (احمدوند و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹۸).

۲- سازوکارهای عملیاتی

۲-۱- اختیارات قانونی ضابطین در بهره‌گیری از سلاح

رویه‌های قانونی و اجرایی استفاده از سلاح گرم توسط پلیس، یکی از موضوعات بحث‌برانگیز مطالعات حقوق بشری است. پلیس انگلستان در زمینه تعدیل تیراندازی‌های پلیسی تجارب مطلوبی دارد که به‌نظر می‌رسد مطالعه آن‌ها می‌تواند برای پلیس ایران نیز مفید باشد. نوشته پیش رو با رویکردی تطبیقی می‌کوشد تا سیاست جنایی نظام حقوقی ایران و انگلستان را درباره حمل سلاح گرم و کاربرد آن در مأموریت‌های پلیسی بررسی نماید. اغلب مأموران پلیس ایران در جریان اقدامات روزانه، سلاح گرم حمل می‌کنند و در ۱۲ مورد مذکور در قانون به‌کارگیری سلاح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ با رعایت شرط ضرورت می‌توانند از آن استفاده کنند. در انگلستان، عموم مأموران پلیس سلاح گرم حمل نمی‌کنند و موارد کاربرد آن را انجمن افسران ارشد پلیس تعیین می‌کند. براساس مقررات جاری انگلستان، مأموران پلیس فقط زمانی می‌توانند از سلاح گرم استفاده کنند که جان مأمور یا شهروند بی‌گناه در معرض خطر فوری باشد. در این‌صورت، آن‌ها باید از فرمانده ارشد اجازه تیراندازی بگیرند، مگر اینکه کسب اجازه موجب تشدید خطرات جانی شود (افراسیابی، ۱۳۹۴: ۱۹۹).

۲-۲- تمهیدات صدور کارت ویژه ضابطین

کارت ویژه ضابطین دادگستری: در قانون قدیم تمام افرادی که در ماده ۱۵ ضابط شناخته بود وظایف ضابطین را برعهده آن‌ها می‌گذاشت، اما در قانون جدید در ماده ۳۰ احراز سمت ضابط‌بودن را منوط به گذراندن دوره‌های آموزشی خاص و تحصیل کارت ویژه کرده است. ماده ۳۰ قانون جدید در این رابطه آورده است: «احراز عنوان ضابط دادگستری، منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت‌گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.» تبصره ۱ از همین ماده، دادستان را مکلف کرده است که به‌طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.

احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه‌بر وثاقت و مورد اعتمادبودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت‌گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است. مهم‌ترین و اصلی‌ترین شرایط دریافت کارت ضابط قضایی، طی دوره‌های آموزشی است که براساس این آیین‌نامه، معاونت منابع انسانی قوه قضایی، دوره‌های آموزشی خاص را برگزار خواهد کرد که درنهایت، متقاضیان، علاوه‌بر آشنایی با قانون حقوق شهروندی، می‌بایست توانایی‌های لازم در امور زیر را به‌دست آورند:

۱- اطلاع از موضوعات مهم و اساسی مربوط به حقوق کیفری ماهوی، همچون جرایم و مجازات‌ها و همچنین اطلاع از حقوق کیفری شکلی، شامل صلاحیت‌ها و تشکیلات سازمان‌های کیفری؛

۲- توانایی تشخیص و تفکیک جرایم مشهود و غیرمشهود از یکدیگر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف ضابطین قضایی و اطلاع از نوع وظایف و اختیارات آن‌ها در مواجهه با هریک از این جرایم؛

۳- اطلاع از ادله اثبات دعوی در امور کیفری از قبیل شهادت، تحقیق محلی، سوگند و غیراین‌ها؛

۴- توانایی تشخیص مسؤولیت مدنی و کیفری ناشی از اعمال غیرقانونی و زیان‌باری که ممکن است توسط خود این ضابطان قضایی انجام شود.

لازم به ذکر است که اگر ضابطان قضایی حائز شرایط لازم که برای آن‌ها کارت ضابط قضایی صادر شده است، شرایط خود را از دست بدهند، به تشخیص دادستان، کارت آن‌ها ابطال خواهد شد. همچنین در مواردی از قبیل بازنشستگی، اخراج، تغییر سمت و یا فوت متقاضی، کارت ضابط آن‌ها اخذ و ابطال می‌شود.

۳-۲- آموزش تخصصی ضابطین

براساس قانون، مقامات دادگستری محلی، ازجمله دادستان‌ها مکلف به آموزش و توجیه ضابطان قضایی برای مطابقت عمل ارتكابی با بزه انتسابی هستند. همچنین قواعد و اصول مرتبط با حقوق متهم، ازجمله مواردی است که باید ضابطان قضایی نسبت به آن آگاهی داشته باشند، اما در برخی آرای قضایی مشاهده می‌شود که گویا اصل آموزش به ضابطان قضایی و همچنین توجه ضابطان به آموزه‌های آموزش‌داده‌شده چندان مورد توجه قرار نگرفته و به مانند رأیی که اخیراً در فضای مجازی منتشر شده و در اینجا دیده می‌شود که در لیست بزه انتسابی برای فردی از عنوان جرم «نافرمانی مدنی» استفاده شده، اساساً چنین جرمی در قوانین موضوعه تعریف نشده است.

ضابطین براساس قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در زمینه پیشگیری موقعیت‌مدارانه دارای وظیفه هستند. در چارچوب این شاخه از مجموعه‌ای از اقدام‌های غیرقهرآمیز برای مدیریت وضعیت‌های پیش جنایی و کاهش فرصت‌های مناسب برای ارتكاب جرم استفاده می‌شود. ماده ۹۷ نمونه برجسته‌ای در این خصوص است. براین‌اساس آشناساختن آنان با بنیان‌ها و شیوه‌های این‌گونه پیشگیری که در بند ۸ قانون نیروی جمهوری اسلامی ۱۳۶۹ نیز شناسایی شده است، می‌تواند در حمایت از افراد در آستانه خطر بزه‌دیدگی تأثیرگذار

باشد. بنابراین آموزش کارگزاران مزبور در زمینه چگونگی به‌کارگیری شیوه‌های پیشگیری موقعیت‌مدارانه مانند حفاظت از بزه‌دیدگان می‌توان به اجرای درست این تکلیف هنجارمدارانه و دستور پیشگیرانه به کارگزاران قضایی بیانجامد.

آیین‌نامه احراز عنوان ضابط دادگستری در زمینه محورهای آموزشی و مهارت‌ها و آگاهی‌های تخصصی مورد انتظار از آموزش‌هاست که ماده ۶ آن اشعار می‌دارد دانش‌آموختگان باید به توانایی‌های لازم را کسب نمایند.

ازسوی دیگر در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ رسیدگی در زمان متعارف در شمار اصول قرار گرفته است و این اصل باید ازسوی همه کارگزاران، ازجمله ضابطان به‌کار گرفته شود. هدف مذکور در بند ۴ ماده ۵ آیین‌نامه مذکور شناسایی شده است. ازاین‌روی معاونت منابع انسانی قوه قضاییه باید از رهگذر تدوین دوره‌های آموزش جرم‌شناسی حقوقی اسباب توانمندساختن ضابطان در زمینه کنش‌گری سرعت‌یافته و دقیق، به‌کارگیری اقدام‌های شایسته به‌منظور شناخت حقیقت قضایی، برخورد قطعیت‌یافته با متهمان و پیشگیری از فرار آنان را فراهم سازد (نیازپور، ۱۴۰۱: ۱۷۸).

همچنین نظارت بر چگونگی برگزاری دوره‌های آموزشی از رهگذر مواد ۱۶ و ۲۰ برعهده دو نهاد زیرمجموعه قوه قضاییه به‌ویژه دادستان کل کشور گذارده شده است. علاوه‌بر آن مطابق ماده ۲۸۸ قانون مذکور دادستان کل کشور بر کلیه دادرشاهای عمومی و انقلاب نظارت دارد و به‌منظور حسن اجرای قوانین و ایجاد هماهنگی بین دادرشاهای می‌تواند اقدام به بازرسی کند و تذکرات دستورهای لازم را خطاب به مراجع قضایی مذکور صادر کند. همچنین پیشنهادهای لازم را به رییس قوه قضاییه و سایر مراجع قضایی و اجرایی ذی‌ربط ارائه می‌کند.

۲-۴- تخصصی کردن ضابطین

ضابطین دادگستری به‌عنوان مأمورانی که در خط مقدم مبارزه با جرم قرار دارند، نقش مهمی را در اجرای عدالت کیفری ایفا می‌کنند، زیرا آنان براساس قانون مکلفند که پس از وقوع

جرم (در جرایم مشهود بدون نیاز به دستور و در جرایم غیرمشهود با کسب دستور از مقام قضایی) وارد عمل شوند و نسبت به کشف جرم، تعقیب و دستگیری مجرمین، بازجویی از آنان و جمع‌آوری ادله جرم اقدام کنند، کلیه این اقدامات از پیچیدگی و اهمیت خاصی برخوردار است، بنابراین داشتن تخصص لازم، شرط اجرای این مأموریت دشوار است، به‌ویژه درمورد نحوه تعامل و گفتگو با متهم که مهم‌ترین بخش این مأموریت حساس به‌شمار می‌رود (شامبیاتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۲).

براساس تخصص‌گرایی اقتضایی ضابطین را باید در دو طبقه ضابطین عام یا عمومی و ضابطین تخصصی قرار داد، منظور از ضابط عمومی مأمورینی هستند که به‌صورت عمومی توانایی اعلام گزارش جرم و معرفی مجرم به مقامات قضایی را دارند و گزارش آن‌ها به‌عنوان ضابط تلقی می‌شود و ضابط تخصصی به مأمورینی اطلاق می‌شود که صلاحیت رسیدگی به جرایم خاصی در حوزه تخصص و مأموریت خود را دارند، ضابطین عمومی باید دوره‌های آموزش عمومی ضابطین را بگذرانند و پس از پایان دوره کارت ضابط عام برای آنان صادر می‌شود و تحت نظارت دادستان محل انجام وظیفه می‌کنند، اما ضابطین خاص علاوه‌بر گذراندن دوره ضابط عمومی باید در یک رشته خاص نیز دوره‌های آموزش تخصصی را طی کنند و کارت ویژه ضابطین تخصصی در حوزه مأموریت محوله برای آنان صادر خواهد شد، طبیعی است که هریک از این طبقه‌ها درجه‌بندی خواهد داشت و براساس توانایی حدود فعالیت و حوزه اقدام آن‌ها نیز تعیین می‌شود.

۲-۵- اصلاح و بازبینی قوانین در حوزه وظایف و اختیارات ضابطین قضایی

براساس ماده ۶۳ قانون آ.د.ک ایران، عدم تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری، جرم محسوب می‌شود و آن دسته از ضابطان دادگستری که وظایف قانونی مقرر در ماده ۵۲ این قانون درخصوص تفهیم حقوق متهمان را انجام ندهند، به مجازات کیفری سه‌ماه تا یک‌سال انفسال از خدمات دولتی محکوم می‌شوند (خالقی، ۱۳۹۳: ۸۴).

حقوقی قوه قضاییه مأمورین وزارت اطلاعات در زمره ضابطین دادگستری نیستند و ارجاع وظایف ضابطین موصوف به آنان با قانون مطابقت ندارد، لیکن طبق بند ۵ ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مأمورین وزارت مذکور، منحصرأ در حدود بند «ب» ماده ۱۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱ در کشف مفاسد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی در مقام ضابط قوه قضاییه اقدامات لازم را به‌عمل می‌آورند.

در سایر موارد به‌موجب ماده ۴ قانون تأسیس وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۶۲ مأمورین آن وزارتخانه باید اقدامات اجرایی خود را به‌وسیله ضابطین دادگستری انجام دهند. درخصوص پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باتوجه به بند ۴ ماده ۱ قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱ اگر شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط‌بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند، در همان حد ضابط خواهند بود. همچنین افراد نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران به استناد بند ۳ ماده ۱۵ قانون صدرالذکر ناظر به ماده ۱۰ قانون حمایت قضایی از بسیج تحت شرایطی ضابط دادگستری هستند. رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان جزء ضابطین دادگستری می‌باشند.

مستنداً به بند ۲ از ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری روساء و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان جزء ضابطین عدلیه به‌شمار آمده‌اند. پس درمورد استعمال نیز که در امر مربوط به زندان و آزاد نمودن زندانیان بوده است، ضابط محسوب می‌شوند و توجه به ماده ۱۶ قانون فوق‌الذکر ضروری به‌نظر می‌رسد. در برخورد با شورش و استقرار نظم، نیروی انتظامی باید با رعایت کلیه قوانین مربوط اقدام نماید.

نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی در ایران به شکل عام و خاص برای متهمین توصیف شده است. اصلی‌ترین حافظ اجرا و حفظ حقوق شهروندی در ایران ضابطان دادگستری هستند که در دو سطح عام و خاص خدمت‌رسانی می‌کنند. در بررسی صورت‌گرفته در این نوشتار درخصوص امکان‌سنجی توسعه

ضابطان در کشف و تعقیب جرایم دارای اختیارات گسترده‌ای هستند و هرگونه سهل‌انگاری در دادن اختیارات یا قانون‌نویسی در این‌خصوص می‌تواند موجب سلب آزادی و حقوق شهروندان شود، لذا اگر قانون‌گذار این دغدغه را در خود می‌بیند که باید مأمورین وزارت اطلاعات یا سپاه را ضابط خاص دادگستری محسوب کند، بهتر است به‌جای تصویب مواد پراکنده در قوانین متفرقه وارد عمل شود و با تصویب قانون صریح و روشن موضوع‌های خاص این نهادها و سازمان‌ها را به‌عنوان ضابط مشخص کند و صریحاً مواردی که در آن‌ها می‌تواند در مقام ضابط دادگستری وارد عمل شوند، احصاء کند.

ازسوی دیگر اعطای مقام ضابط به افرادی که صلاحیت داراشدن این مقام را ندارند، از ضعف‌های موجود در این‌خصوص است که می‌تواند باعث عدم رعایت و اجرای دقیق و صحیح و ایمن قوانین و دیگر قوانین مربوط به حقوق بشر و حقوق شهروندی شود.

با در نظر داشتن تعدد ضابطان قضایی و اختیارات متفاوتی که به هریک از ضابطین در برخورد و مبارزه با جرایم داده‌شده به‌ویژه در بسیاری از جرایم اقتصادی و امنیتی به برخی از ضابطان در عمل اختیارات بالایی داده شده است که این اختیارات در مقایسه با نیروی انتظامی و به‌ویژه پلیس در مقام ضابط عالی قوه قضاییه و آن‌هم در جرایم مشهود به‌نظر می‌رسد در این حوزه، یعنی در بحث جرم غیرمشهود و مبارزه با خاطیان و کشف جرم از نظر مقررات قانونی به‌خوبی مقررات تبیین نشده و پلیس نیز اقتدار کافی ندارد و همین امر موجب می‌شود پلیس در عمل موفقیت لازم را در راستای انجام وظیفه و اعمال قانون از خود نشان ندهد و بیشتر قدرت و توان خود را در مبارزه با جرایم مشهود که مشکلات کمتری در مرحله تعقیب و تحقیق دارد، معطوف کند.

۲-۶- هماهنگی بیشتر برای دادستانی برای مداخله مستقیم در موارد خاص

مأمورین وزارت اطلاعات تنها در کشف مفاسد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی ضابط دادگستری هستند. نظریه شماره ۷/۲۱۳۲-۷/۰۴/۰۷ ۱۳۸۹ نظریات مشورتی اداره

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله منفرداً توسط نویسنده صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

- آخوندی، محمود (۱۳۷۳). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- آشوری، محمد (۱۳۷۵). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

- آشوری، محمد؛ بشیریه، حسین؛ هاشمی، سیدمحمد و یزدی، عبدالمجید (۱۳۸۳). *حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*. چاپ اول، تهران: نشر گرایش.

- احمدوند، خلیل‌الله و بابایی‌تبار، مهدیه (۱۴۰۰). «نقش امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر در امنیت جامعه از منظر فقهی». *نشریه قانون یار*، ۵(۱۷): ۹۱۷-۹۴۳.

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۶). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول، تهران: انتشارات میزان.

- افراسیابی، علی (۱۳۹۴). «اختیارات قانونی پلیس در کاربرد سلاح گرم، مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و انگلستان». *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۲(۹): ۱۹۹-۲۲۴.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ هفدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- حبیبی، مهناز (۱۴۰۰). «جایگاه حقوق ضابطین دادگستری انگلیس در حفظ حقوق شهروندی با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران». *نشریه قانون یار*، ۵(۱۸): ۱-۱۹.

اختیارات ضابطین در جرایم غیرمشهود به نظر می‌رسد نبود زیرساخت‌های اجرایی و قانونی، تخصصی‌نبودن و سلیقه‌ای‌عمل‌کردن ضابطین در حوزه‌های عام و خاص مواعی ایجاد می‌کند که تنها در صورت اصلاح قوانین، آموزش و فرهنگ‌سازی در جامعه با حفظ حقوق شهروندی و حقوق خصوصی افراد میسر است.

ازسوی دیگر محدودیت‌های قانونی عنوان‌شده در ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری درخصوص ضرورت کسب اجازه از دادستان و مقام قضایی چه در جرایم نامشهود رایانه‌ای و چه جرایم سنتی بعضاً سرعت عمل را از ضابطین گرفته و این مسأله می‌تواند به امحا و ازبین‌رفتن آثار جرم بیانجامد، لذا بررسی تجربه کشورهای دیگر درخصوص پلیس قضایی ضرورت اصلاح و بازنگری قوانین به‌منظور پرهیز از تفسیرهای چندگانه را دوچندان می‌نماید.

به‌نظر می‌رسد ساختار مناسب و کنترل‌های قانونی پیش‌بینی‌شده برای نظارت بر عملکرد پلیس قضایی فرانسه می‌تواند برای کشورمان قابل الگوبرداری باشد. همچنین تبیین حدود اختیارات ضابطان در جرایم مشهود، اعتبار اقدامات ضابطان در این جرایم پس از حضور مقام قضایی، تفکیک وظایف اداری از وظایف قضایی ضابطان، ضمانت اجرای عدم یادآوری حقوق متهمان یا مظنونان، ازجمله مواردی است که باید فراروی تدوین‌کنندگان لایحه آیین دادرسی کیفری قرار گیرد.

همچنین پیشنهاد می‌شود تأمین مالی، امکانت و تسهیلات مراکز آموزش ضابطین برای پیش‌بینی ساختار اداری و تقویت چارت سازمانی و نیروی انسانی صورت گیرد. همچنین تعیین ضوابط اجرایی و اداری برای ضابطین عام و خاص در شرکت در دوره‌های آموزشی و محرومیت آنان در صورت تخطی و عدم فعالیت، تعیین چندین واحد درسی برای آشنایی با تکالیف ضابطین در دوره‌های کارشناسی دانشگاه‌های پلیس و مراجع قضایی و مؤسسات آموزش عالی.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

- خالقی، علی (۱۳۹۳). نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری. چاپ دوم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- رجبی، مرصاد (۱۳۹۴). ضابطین دادگستری و جرایم مشهود. چاپ اول، تهران: انتشارات مدبران.
- رضایی‌راد، عبدالحسنی (۱۳۹۸). «رابطه امر به معروف با مصلحت‌های سیاسی نظام». مطالعات حقوقی معاصر، ۱۰(۱۹): ۱۳۱-۱۵۵.
- سبحانی‌فر، علی (۱۴۰۰). ضابطین دادگستری و نظارت محکمه بر رفتار آن‌ها. تهران: چهارمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق. <https://www.civilica.com/doc/1239095>
- سوادکوهی‌فر، سام (۱۳۸۶). «امنیت اجتماعی و جایگاه ریاستی دادستان و نظارتی مقام قضایی بر عملکرد ضابطان دادگستری». ماهنامه دادرسی، ۱۱(۶۴): ۳-۹.
- شاکری، ابوالحسن و قاسمی، مسعود (۱۳۹۹). «پاسخ به جرم مشهود در سیاست جنایی ایران با نگاهی به حقوق انگلستان». فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۱۸: ۸۳-۱۰۲.
- شامبیاتی، هوشنگ و پروینی، علی (۱۳۹۳). «تخصصی‌کردن ضابطین گامی به سوی حقوق کیفری قراردادی». نشریه تحقیقات حقوقی آزاد، ۷(۲۵): ۱-۱۳.
- صادق‌منش، جعفر (۱۳۹۵). ضابطان قضایی، وظایف، اختیارات و مسئولیت‌ها. چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- عباسلو، بختیار (۱۳۸۶). «حدود اختیارات ضابطین دادگستری در جرایم مشهود». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۲(۲): ۲۲۵-۲۳۱.
- عمید، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی عمید. چاپ بیست‌وهفتم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر ایران.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ ق). قواعد فقه. جلد دوم، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات علوم اسلامی،
- محمدحسینی، عباس (۱۴۰۰). «اهمیت تفتیش و بازرسی در دادرسی‌های کیفری با تأکید بر احترام به حریم خصوصی اشخاص در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی ایران». مطالعات حقوق شهروندی، ۵(۲۰): ۲۸۳-۳۱۶.
- مهابادی، علی‌اصغر و نوریان، علیرضا. (۱۳۹۱). «واکوی نقش و جایگاه ضابطین دادگستری در لایحه آیین دادرسی کیفری». نشریه پژوهشنامه دانش انتظامی، ۱۴(۳): ۱۸۹-۲۱۴.
- میرزازاده، زهرا و موسوی، سیدمحمدصادق (۱۴۰۰). «حمایت از حریم خصوصی در کشف جرایم مشهود». نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۴(۱): ۲۰۵-۲۲۰.
- نیازپور، امیرحسن (۱۴۰۱). «آموزش ضابطان دادگستری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲». فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۲۴(۳): ۱۶۵-۱۹۰.
- وروایی، اکبر؛ بهرامی‌پور، رسول و محمدی، همت (۱۳۹۳). «ضرورت آموزش ضابطین دادگستری و پلیس قضایی در تحقق عدالت کیفری و حفظ حقوق متهمین در نظام کیفری ایران». فصلنامه آموزش در علوم انتظامی، ۲(۳): ۹۳-۱۲۴.
- هادی‌پور، محمدحسن؛ ملائی‌کندلوس، فخرالله و گلیجانی مقدم، حامد (۱۴۰۱). «مسئولیت مدنی ناشی از قصور ضابطین دادگستری». مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۸(۲): ۶۷۰-۶۷۸.